

هنرهای سنتی ایران که مجموعه‌ای از آن مشتمل بر دو‌یست اثر هنری از تاریخ ۲۱ شهریور تا ۲۱ مهرماه سال ۱۳۷۰ در شهر دوسلدرف آلمان به نمایش در آمد، در چشم انداز هنری، می‌تواند دارای نتیجه‌ای دوگانه باشد: اول، در معرض دید و قضاوت قرار دادن و شناساندن هنرهای سنتی، به عنوان بازتابی از احساسات و عواطف و تجلیات ذوق و اندیشه هنرمند ایرانی، و به تبع آن ارزیابی نقطه‌نظرها و دیدگاه‌های دیگران، با فرهنگ‌هایی متفاوت، در مواجهه با هنرهای سنتی ایران؛ دوم، آشنایی هنرمندان ایرانی با چندوچون هنرهای مغرب زمین و ایجاد ارتباطات هنری با جوامع گوناگون که چنین امری خود می‌تواند باعث وسعت نظر هنرمندان شود.

هنر، مادامی که در مدار بسته قرار گیرد، نمی‌تواند به ابعاد و دستاوردهای نوینی دست یابد. چندانکه تنوع و پهنه وسیع هنرهای ایرانی را می‌باید در ارتباطات گسترده فرهنگ و هنر ایران، از دیرباز تا کنون، با فرهنگ و هنر سایر ملل دانست. ارتباط آیینی ایران با سرزمینهای مسلمان، خود موجب بهره‌وری هنرمندان ایرانی از خط گردید و پس از آن، خط، سوای بار فرهنگی، بازور نگاه هنرمندان هنرمندان شد و در طول سده‌هایی پی‌درپی، و در تحولاتی پیاپی، منتهی به خط نستعلیق گردید و پس از آن، در قدوقامت هنری‌تر به نقاشی - خط انجامید.

میناتور نیز حاصل داد و دهش‌های هنری ایران و سرزمینهایی بود که در آن سوی جاده ابریشم پیشینه‌ای بس دیرین در هنر نگارگری داشت. هنری که سپس با معیارهای اجتماعی و جهان‌بینی هنرمند ایرانی، شکل و شمایل مختص به خود یافت. و فرش، به عنوان نمایشگاهی متعالی و سرشار از ظرافتهای ذهنی هنرمند ایرانی، مرزهای دور و نزدیک را در نوردید و به مثابه اصیلترین و معتبرترین هنر ایرانی، هنر اقوام گوناگون را تحت تأثیر قرار داد. سایر هنرها نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ چرا که ارتباط، تجربیات و روشهای بیانی تازه‌تری را پیش روی هنرمندان می‌گستراند که نتیجه آن، سیرو سلوک در آفاق بیکران و گسترده‌تری است.

جشنواره هنرهای سنتی ایران نیز با هدف معرفی هنرهای سنتی، و در جهت شناساندن واقعیت‌های فرهنگی و هنری و هویت ملی و تفکر اسلامی، و همچنین به منظور

ارتقاء روابط، در زمینه فرهنگ و هنر، پا به عرضه‌گاه هنری شهر دوسلدرف می‌نهد تا بر این واقعیت پای فشرده که - علی‌رغم نادیده‌انگاشتن این و آن - تاریخ ایران مالا مال از جاذبه‌های هنری و آکنده از شعر و شعور و تفکر است.

جشنواره دوسلدرف به دعوت شرکت تی سن - که چهار سال پیش ازین نمایشگاهی از آثار هنرمندان چینی برگزار کرده بود - به مدیریت آقای سید محمدصحنی، رئیس مرکز هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در روز ۲۱ شهریور طی مراسمی در لندزمیوزیم (Landes Museum) افتتاح شد که شامل بخشهای نمایشگاه، کارگاههای هنری، موسیقی سنتی، تئاتر، نمایش عروسکی، بازار فروش صنایع دستی و سخنرانیهایی در باب تئاتر و موسیقی بود. نمایشگاه، خود بخشهای مختلفی را در بر می‌گرفت: قالیبافی، زریبافی، کاشیکاری، سرامیک و سفال، خط - نقاشی، قلمزنی، قهوه‌خانه سنتی، نقاشی قهوه‌خانه‌ای، مینیاتور، معرق بر روی چوب، نازک کاری چوب، ابزار و ادوات موسیقی سنتی و چگونگی ساخت سازهای سنتی. در زمینه تئاتر، نمایش اسب چوبی و نمایش عروسکی بر صحنه آمد. در بخش موسیقی سنتی ده گروه نوازنده از شهرها و استانهای بوشهر، لرستان، آذربایجان، ساری، گنبد کاووس، قوچان، تربت جام، سیستان و بلوچستان، ارزشهای نهفته در ساز و صدایشان را عرضه داشتند.

افتتاح نمایشگاه در سالن لندزمیوزیم با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاون امور هنری، سفیر ایران در آلمان و شخصیت‌های فرهنگی و هنری و همچنین با حضور بسیاری از شخصیت‌های آلمانی، از جمله وزیر فرهنگ آلمان، انجام گردید. ابتدا یکی از اعضای هیأت رئیسه شرکت تی سن به شرکت کنندگان ایرانی در نمایشگاه خوشامد گفت و اظهار داشت: «این فستیوال نخستین فستیوال بزرگ هنر ایران است که موجب شد ما بتوانیم به عظمت و شکوه هنر ایران واقف شویم.» سپس در ادامه سخنانش افزود که: «هدف از برگزاری چنین فستیوالی آشنایی و نزدیکی ملت‌ها با یکدیگر است. و چهار سال پیش ازین نمایشگاهی از آثار هنرمندان چینی نیز

برگزار شد. اما این نمایشگاه بزرگترین نمایشگاهی است که برای يك کشور خارجی در شهر دوسلدرف برگزار شده است.»

سخنگوی بعدی، پروفیسور اورتلب، وزیر فرهنگ آلمان، درباره ارتباط فرهنگی ایران و آلمان که پیشینه آن به قرن دوازدهم بازمی گردد، و اینکه گوته با کشف دیوان حافظ اهمیت غنی فرهنگ ایرانی را درك کرده است، سخنانی اظهار داشت. سپس وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در آغاز به زبان آلمانی و سپس به زبان فارسی چنین گفت: «برگزاری نمایشگاه هنر ایران در آلمان می تواند به بسط و تعمیق روابط انسانی و فرهنگی دولت ایران و آلمان کمک کند و در صورتی که به این مهم موفق شود هنرمندان ما به مهمترین مقصود و هدف خود نائل آمده اند.»

سپس وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در توصیفی شاعرانه، در بیان محسوسات و ادراکات هنرمند از جهان پیرامون و درك معنا و معنویت آن و همچنین در تفاوت نوع نگرش هنرمندان در عالم هنر، با عالمان و فیلسوفان در علم و فلسفه افزود: «عالمان و فیلسوفان در کنار دریای وجود برای صیادی صدف و ماهی آمده اند، اما هنرمندان، موسیقی امواج و آبی دریا را صید می کنند. البته واقعیت جهان و جهان واقعی را نباید و نمی توان انکار کرد. اما آنچه امروز در معرض انکار و فراموشی است و مقام و موقع آن در منظومه جهان بینی بشری روزبه روز کوچکتر می شود، حوزه وساحت درك هنری، شهودی و دینی است.»

ایشان خطاب به دانشمندان غربی و خصوصاً شرق شناسان افزود: «من به دانشمندان غربی و مخصوصاً به شرق شناسان پیشنهاد می کنم که کوشش کنند علاوه بر فهم ذهنی و عقلی شرق، آثار بزرگ و عظیم مشرق را از طریق فهم هنری نیز درك کنند. اگر غرب در پی درك هنری که همان ایجاد همدلی و هماهنگی با شرق است باشد، وحدت متعالی انسانی که غایت القصوای هر متفکر انسان دوستی است، خیلی دور و دیر و دست نیافتنی نمی نماید.»

در همین مراسم گروه نوجوانان اصفهان قطعات دلنشینی از موسیقی سنتی، به همراه آواز، نواخت و

فضای تالار را که در جای جای دیواره های آن، فرشهای چشمنازای خود می نمایند، آکنده از شور و حال فرهنگ ایرانی نمود. پس از اجرای مراسم افتتاحیه، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به اتفاق سایر شخصیت های ایرانی و آلمانی، به بازدید از نمایشگاه پرداختند.



سیری در آثار ارائه شده در فستیوال هنر ایران در دوسلدرف مورخان هنر، کنار پنجره تاریخ

از مجموعه هنرهای سنتی ایران در لندزمیوزیم، می بایست از قالیبافی، کاشیکاری، زیربافی، قلمزنی، مینیاتور، سرامیک، نقاشی قهوه خانه ای، معرق بر روی چوب، نازک کاری چوب و خط - نقاشی نام برد.

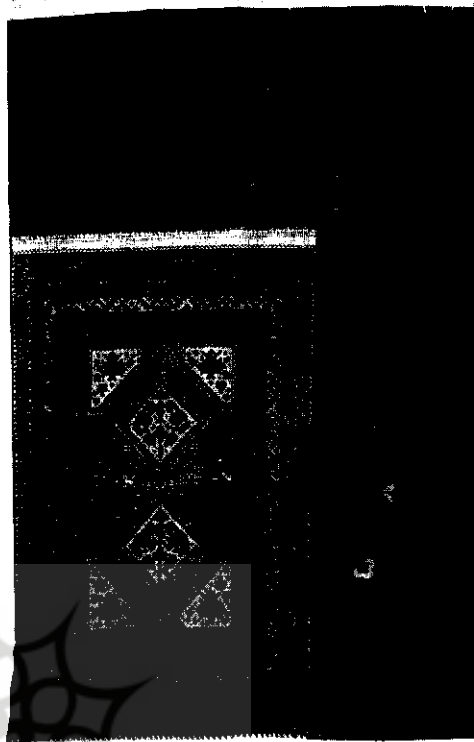
قالیبافی

فرش که همواره نام ایران را در خاطر همگان به همراه دارد، تنها سند آشنایی از هنرهای ایران است که اکنون در تالار اصلی موزه، خود می نمایند. از اعتبار و الوایی فرش ایرانی به این نکته باید اشاره کرد که حتی بافندگان غیر ایرانی فرش با بهره جویی از نقشها و طرحهای قالی

تصاویر مینیاتور خود می نمایاند. نقش مینیاتور در فرش، به لحاظ افت خطوط، تبحر و شگردی جانانه می طلبد تا بتوان فرش - مینیاتوری عاری از هرگونه نقص ارائه کرد. از اشکالات درخور توجه قالبیافان، دست یازیدن به عرصه های گوناگون و طبع آزمایی در زمینه های متفاوت طرح های سنتی، مینیاتور و منظره پردازی است که خود موجبات عدم توفیق در تمام زمینه ها را به وجود می آورد. اما آن کس که بیشترین توش و توان خود را مصروف زمینه های مشخص می کند به نتایجی مطلوبتر و چشمگیرتر دست می یابد. استاد امینی خود به عنوان طراح وبافنده، تاکنون بیش از بیست و پنج قطعه فرش، که هرکدام به مثابه تابلویی آراسته به نقوش گوناگون است، ارائه کرده است.

استاد ابوالفتح رسام عرب زاده، به لحاظ ابداع کمپوزیسیونهای نو، دارای جایگاه ویژه ای در هنر قالبیافی است. کمپوزیسیونهایی که در بسیاری از آثارش فراتر از ابداعی محتاطانه است. قالبیهای دروازه بهشت، برگ خزان با طرح اصفهان، دربار سلطان محمود و چندین دیگر، که دارای مضامینی عارفانه است، از آثار ارائه شده ای است که همگی مهر مشخص ظرافتهای ذهنی او را داراست. دربار سلطان محمود، که از شاخصهای هنر قالبیافی عرب زاده است، نشانگر جمعی از ادبا و شعرای دربار سلطان محمود، از جمله شاعر توانمند طوس، فردوسی، است. سوای چهره های بی شماری که در این نقش به کار رفته است، هنرهای دیگری همچون معماری دربار سلطان محمود، طرح کاشیکاری و تذهیب و نمایاندن پرسبکتیو و نیز صحنه هایی از کارزار، بخشهایی از شاهنامه که در طیفی از رنگهای زرد تا قهوه ای در حاشیه فرش به کار رفته است، از وجوه شاخص این اثر به شمار می رود. پاره ای از فرشهای به نمایش در آمده از وجوه تکنیکی متفاوتی نسبت به سایر فرشها برخوردار است. برگ خزان با طرح اصفهان به لحاظ طرح دو فرش با طرحهای مختلف در قالب یک فرش دارای تکنیک دوگانه در رج بندی است.

استاد حقیقی، در طرحهایی متفاوت، تار و پود آثارش را با نقوشی از معماری سنتی و مناظر اصفهان می آراید و وجه تازه ای از توانایی فرش را در ارائه چشم انداز مناظر



رسام عرب زاده - برگ خزان - ۲۰۵x۲۹۱ سانتیمتر
ایرانی، و حتی با سوء استفاده از نام و امضای اساتید فرش ایران، کالای خود را با نام فرش ایرانی راهی بازار جهانی می کنند.

نمایشگاه حاضر نام سه تن از اساتید قالبیاف را با خود دارد که هر کدام در صنعت و هنر فرش دارای سبک و سلیقه منحصر به خویشند: استاد رسام عرب زاده، استاد جمشید امینی و استاد حقیقی.

برخی از آثار استاد امینی که ملهم از طرحهای سنتی است با تغییراتی کمابیش در چهارچوب فرشهایی می گنجد که زمینه اصلی غالب فرشهای ایرانی است؛ فضایی برتافته از نقوش عناصر طبیعی گل و گیاه. قالبیهای ایرانی، که خود به تنهایی نمایشگاهی از نقوش تذهیب و اسلیمی و ختایی است، با صنعت و تکنیک بافت در هم می آمیزد تا به عنوان هنری در برگیرنده تمام هنرهای دیگر تجلی یابد و گاه این هنر با فراتر از نقشهای سنتی می گذارد و ارزشهای دیگری همچون مینیاتور را در بر می گیرد. سوای طرحهای سنتی امینی، چندین قطعه فرش با

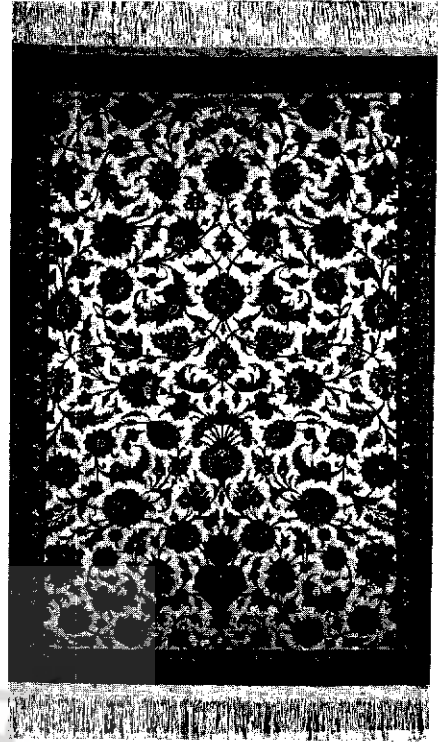
مزین به نقشهای دلنشین می‌شد، در معرض دید تماشاچیان قرار گرفته بود.

موسیقی

بخشی دیگر از نمایشگاه به موسیقی سنتی اختصاص دارد که همزمان با آن چگونگی ساخت و ساز ابزار و آلات موسیقی سنتی توسط استاد چایچی بینندگان را به سوی خود می‌خواند.

استاد چایچی با شناخت و آشنایی دیرین به صنایع چوب، از سال ۱۳۵۶ به ساختن ابزار و آلات موسیقی سنتی ایران روی می‌آورد که ماحصل تلاش چندین و چندساله او سازهایی گوناگون و متعدد است. موسیقی تنها هنری است که همگان را، با سطوح مختلف آگاهی و درک، مخاطب قرار می‌دهد و همزمان با دگرگونیهای روابط و مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دچار دگرگونی و تحولات تازه‌ای می‌گردد تا به زبان و شیوه بیانی تازه‌ای دست یابد. موسیقی ایران، با توجه به تغییرات و دگرگونیهای که در آن صورت گرفته، به شتاب شایسته‌ای منطبق بر روحیات اجتماعی دست نیافته و همواره بر مدار دوایری کمابیش با شعاعهای یکسان چرخیده است. تحول در موسیقی، از سویی نیازمند ابداع ابزار و آلات و کشف اصوات تازه‌ای است تا بتواند پاسخگوی تمنیات جامعه باشد.

ساختار برخی از ادوات به نمایش در آمده از چوبی یکپارچه و پاره‌ای از قطعات متعددی است که در کنار یکدیگر قرار گرفته است و معدودی از آنها دارای تزیینات مثبت کاری است. از ادوات و ابزار موسیقی این نمایشگاه می‌بایست از تار، سه‌تار، سنتور، قیچک (نوعی از کمانچه که در جنوب ایران و پاکستان رایج است)، کمانچه، تنبک و دف نام برد که غالباً از چوبهای جنگلی، توت و فوفل در ساخت آنها استفاده شده است. یادآوری این نکته ضروری است که اساتید سازنده آلات موسیقی همچون یحیی تار ساز و مارکار ارمنی سنتور ساز بیشترین توش و توان خود را مصروف تجربه‌اندوزی و ساخت یک نوع ساز می‌کنند؛ در حالی که استاد چایچی به ساخت و پرداخت تمام سازها می‌پردازد که تأیید آن به عهده اساتید فن است.



جمشد امینی - والیجه با طرح سنتی

طبیعی می‌گشاید. آثار حقیقی را که در چنین چهارچوبی می‌توان نقاشی - قالی نامید، به جای استفاده از رنگ و قلم مو از تار و پود و پشم و ابریشم سود می‌جوید. اجرای نقش مینیاتور یا منظره در قالی، نیازمند غنای تکنیکی و دستمایه غنی هنری است، چندانکه چهره‌ها و اندام پرسوناژها، که از مشکلترین بخشهای قالی است، دچار دفرماسیون یا تغییر فرم نگردد. استاد حقیقی در نمایش چنین مناظری موفق است، اما آن مبحثی که از توان و قوت بداعت آثارش می‌گاهد اجرای تصاویری است که به کرات از طریق عکس و کارت پستال ارائه شده است. اگر تکنیک پرحوصله و دقیق استاد حقیقی در ارائه نگاهی متفاوت از نگاه کارت پستالی باشد، بی تردید رد پای او را به عنوان سرآمدی در این قلمرو در پی خواهد داشت. اساتید شرکت‌کننده در این بخش به عنوان پیشکسوتان و پیشتازانی در نوآوریهای فرش ایران محسوب می‌شوند. در همین مقوله، برای تبیین بهتر و مؤثرتر تکنیک بافت فرش، قالی نیمه‌کاره‌ای بر دار قالی، که توسط بافنده‌ای

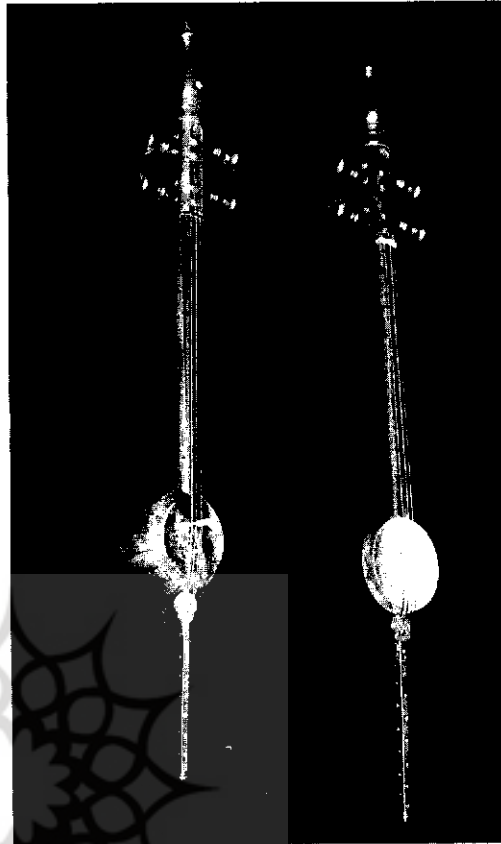
کاشیکاری معرق

کاشیکاری معرق و قلمزنی بخشی دیگر از سالن رادر اختیار دارد. کاشی معرق که در عصر حکومت مغولان در ایران رایج شد، غالباً به عنوان جلوه‌هایی چشم‌نواز از هنر ایران و زمینه‌ای برای ابراز ارادت و ایمان، زینده مناره و گنبد و محراب و دیوارهای مساجد شد تا فضایی آکنده از اعتقاد و عبودیت پدید آورد. هنرمند ایرانی مرارت و دشواری خلق این آثار را به جان می‌خرد تا گامی به سوی معبود خود نزدیکتر شود. کاشیکاری، همچون سایر هنرهای دیگر، ظرافت اندیشه و حوصله هنرمند را می‌طلبد. چرا که در کاشی معرق اشکال هندسی و اشکال طبیعی از تن کاشی از پیش آماده‌شده با ضربات تیشه جدا می‌شود تا در میان همان اشکال بریده شده از کاشی دیگر قرار گیرد. ضربه‌های تیشه استاد رضایی بر قطعات کاشی، ضربه‌های شانه‌های آهنین بر تار و پود فرش، حرکت چوبهای دستگاه سنتی زریبافی و صدای ضربه‌های چکش قلمزن بر روی صفحه مفرغی منقش به نقوش، فضایی آشنا در تالار نمایشگاه به وجود می‌آورد.

قلمزنی و خاتمکاری

قلمزنی در روزگار رونق هنرهای اسلامی ایران در شهرهای خراسان، ری و همدان داشت و چند قرن بعد به اوج اعتبار و شایستگی رسید. اشکال ظروف مفرغی قلمزنی، عمدتاً برتافته از نقشهای حیوانها و گل و گیاهی است که در جای جای ظروف دیده می‌شود که نمونه‌هایی ارزنده از آن بر دیوارهای موزه قرار دارد.

استاد صنایع خاتم، پیر صنعت و هنر خاتمکاری، نماینده‌ای است از خیل خاتمکارانی که غالباً در شهرهای اصفهان و شیراز پایبند ظرافت این هنر دیرینه‌اند. خاتم که بیشتر از نقوش گلهای کوچک و اشکال هندسی ترکیب یافته است، از کنار هم نشستن قطعات بسیار ریزی از چوب، عاج، قلع، مس و برنج به وجود می‌آید و عمدتاً برای تزیین جعبه‌های آرایش، جا سیگاری و قابهای کوچک به کار می‌رود. خاتمکاری، با سابقه‌ای مدید، حکایت از طبع مردمانی دارد که به هر بهانه‌ای اشیای پیرامون خود را به ذوق و سلیقه خود می‌آریند تا سهمی در تنظیم هر چه بیشتر پیرامون خود داشته باشند.



سازهای سنتی - کار جواد جایی

در همین قسمت، انواع هنرهای دیگر همچون: زریبافی، کاشیکاری، منبت‌سازی، نازک‌کاری بر روی چوب، قلمزنی و معرق بر روی چوب در معرض نمایش است.

زریبافی

پارچه زری که از رشته‌های سیم و زر و ابریشم بافته می‌شود، به استناد مدارک به دست آمده، دارای سابقه‌ای بس طولانی است که غالباً جهت استفاده اعیان و اشراف به عنوان تنبوش و پرده مورد استفاده قرار می‌گرفت. زریبافی که اکنون از رواج پیشین آن کاسته شده است، به عنوان یکی از هنرهای ظریف دستی درخور اعتباری شایسته است. در کنار آثار ارائه شده پارچه‌های زری، کارگاهی سنتی از نحوه بافت آنها برپا گردیده است که توسط دو تن از بافندگان چگونگی بافت آنها را به نمایش می‌گذارد.



معرق کاشی - نقش شکارگاه - شکار شیر و شتر - ۹۰×۹۰ سانتیمتر - ۱۳۶۹

معرق بر روی چوب و نازک‌کاری چوب

معرق بر روی چوب توسط استاد امامی، و نازک‌کاری چوب توسط استاد بهزادیان دو وجه گوناگون بهره‌وری از چوب را نشان می‌دهند که با طرح‌های مکرر و همیشه مطرح گل و مرغ و سیمرغ مزین می‌شود. نازک‌کاری چوب برخلاف معرق بر روی چوب، که هنری تزئینی است، هنری فونکسیونل یا عملکردی به شمار می‌رود که در زندگی روزمره به عنوان ظرف، قاب، جاسیگاری و... مورد استفاده قرار می‌گیرد. از ویژگی‌های بارز این هنر، همان‌گونه که از عنوان آن بر می‌آید، تراشیدن و نازک‌کردن چوب تا ضخامت بسیار کم و گاهی منقوش کردن آن به نقوش گوناگون است؛ در حالی که در معرق بر روی چوب، هنرمند با استفاده از چوب، صدف و رنگ طبیعی آنها اثری تزئینی می‌آفریند.

خط - نقاشی

بخش خط، در برگرفته آثار متعددی از خط - نقاشی است که گرچه در مقوله صرفاً هنری سنتی قرار نمی‌گیرد، اما به عنوان هنری مدرن در ادامه سنت خوشنویسی می‌توان بدان توجه داشت. در این بخش، بدعت به جای سنت می‌نشیند و آنچه بر دیوار تکیه می‌زند هنری است با نشانه‌های دیرین از خط و خطوطی که در طول تاریخ بیش از هزار ساله خود بالیدن گرفته است. از کوفی و نسخ و تعلیق و اندام عروسواره نستعلیق گذشته است تا در میهمانی چشم‌نوازی از خطوط پیچاپیچ، بیانگر حس و حالی تازه و شور و غوغای ناپیدای هنرمندی شود که برای پیدایی و غیبت بخشیدن به آن بر چماخم مقتدر کلمات و حروف تکیه می‌زند. خط - نقاشی با دگرگونی و دگردیدی مداوم، در خدمت بیان تصویری تازه و لاجرم

احساسی نوبہ کار گرفته می شود. این تازگی از یک سودر گرو شیوہ بهره‌وری از خط و از دیگر سو، از رنگ مایه می گیرد تا در سیر و سلوکی نو، در توازی و همگونی با ذهنیت و منش هنرمند، حسی دیگرگونه و متفاوت از خط کلاسیک را القا کند.

در خط کلاسیک، شیوہ و مضمونی واحد خوشنویسان متفاوت از لحاظ اندیشه و احساس را در قالبی واحد و یگانه مطرح می سازد و اوج و برتری هر هنرمند خوشنویس در اجرای تکنیک و الاتر و برتر و تکامل یافته تر نهفته است. در حالی که ابعاد گسترده هنر خط - نقاشی، قالبهای نوین احساس مستور در شعور و آگاهی هنرمند را مطرح می سازد که هر کدام می تواند دارای جهانی متفاوت از دیگری باشد. چرا که واقعیت بیرونی، پس از گذر از ذهنیت هنرمند، نسبت به فرایندهای ذهنی هنرمند - تحت تأثیر استحاله ای ناگزیر - به واقعیتی ثانوی مبدل می شود که دارای همخوانی و هماوایی با تفکر و میزان حساسیت هنرمند است. این مهم در خطاطی کلاسیک تحت تأثیر قراردادهای از پیش تعیین شده رنگ می بازد و به عوض آنکه هنرمند راقم سرنوشت احساسی خود باشد، تحت تأثیر سیطره و حاکمیت قراردادهای آن قرار می گیرد.

در تمام موارد هنر خط - نقاشی، خط، نقطه آغازین حرکت هنرمند است؛ آن چنانکه موجاموجی از حروف و کلمات را می توان در جای جای اثر مشاهده کرد. حروف و کلمات، خود نیز در این مقطع، قالبی از پیش تعیین شده‌اند و هنرمند با چنین ابزاری به ابراز وجود حسی می پردازد و از آنجایی که ذهنیت بارور و پیشرونده، نفی کننده چنین قراردادهایی است لاجرم در تلاش رهایی و دوری از منشأیی جزمی و دگماتیک است. به همین دلیل، در برخی از آثار خوشنویسان معاصر، ضمن تشخیص مبدأ حرکت که همان کلمات و حروف‌اند، میل به رهایی و آزادگی از قیود دیده می شود.

در همین بخش، رسولی با پرونده‌ای می آغازد که چندان قابل تأمل نیست و می توان شتابان از آن گذشت. تلفیق عناصر عینی با هنر خط و خوشنویسی، منتج به آثاری می گردد که گرچه چشم‌نواز و پربیننده است اما احساس لازم یک اثر هنری را در بر ندارد. ذهن هنرمند در کندوکاو تطبیق حروف و کلمات و جملات با شکل‌هایی

است که به یاری آن بتواند احساسی را القا کند، در حالی که نهایتاً منتهی به آثاری فاقد توان انتقال احساسات درونی هنرمند می گردد و تنها می تواند به اثر تزینی مبدل شود. اما رسولی در آثار متأخرش گاهی فراتر از کشف پرنده و گل و گیاه با حروف و کلمات می نهد و به مصداق: مفتعلن، مفتعلن، کشت مرا، چهارچوب آثار ناتورالیستی اش را در هم می ریزد و در سر آمد آثارش به انفجاری از احساس دست می یابد. آثار متأخر او با پیکری دریده و بی پروا و اکسپرسیونیستی موفق به پیش می تازد تا از ذهنیت مصلوب او فاصله بگیرد و زنجیر از احساسات پای در بند قراردادهای مرسوم بگسلد.

در آثار احصایی مسیری رویه رشد و تعالی رانمی توان یافت. آثار احصایی طی سالیان متمادی بر محور بازی با کلمات و صحنه پردازی برای بیان احساساتش قرار گرفته

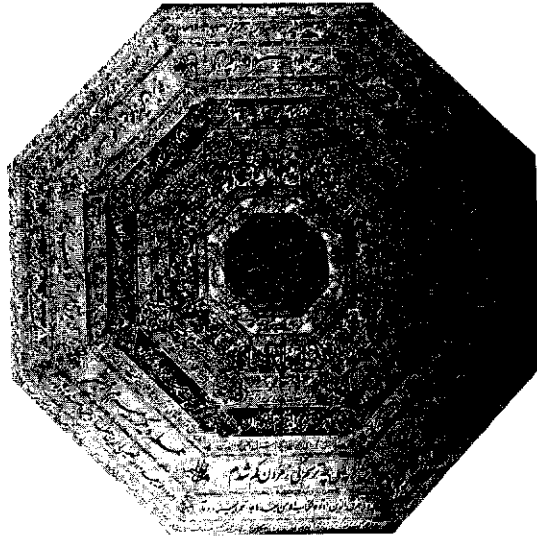


نقاشی و انبانی از تجربیات وسیع در شیوه‌های گوناگون، با آثاری در نمایشگاه حضور دارد که نشان از پختگی اوست. افجه‌ای در آثار گوناگون نشان داده است که هنرمندی پویا و جستجوگر است؛ گرچه این جستجو با حزم و احتیاط و کندی صورت می‌گیرد.

اسدالله کیانی در خط-نقاشی هایش بیانی از غلبه فرم بر مضمون دارد و فرمهای حاکم بر برخی از آثارش که به آثار سقاخانه‌ای شباهت می‌یابد تبدیل به مضمونی نوستالژیک می‌شود. در این آثار، خط تنها بهانه‌ای است برای فرمی که خود نشان از فراز و فرود و بازتابهای روحی هنرمند دارد. التهاب او در آفرینش و در تبدیل مضمون به فرمهای القاکننده احساساتش او را به گستره‌های گوناگونی می‌کشاند، چندانکه پرونده او در رسیدن و دستیابی به شیوه‌های متکامل ناقص می‌ماند. هر اثر از

است. در برخی از آثار او میزان ترازوی مضمون و فرم در مقابل یکدیگر قرار دارند. در تابلوی «چو ایران نباشد تن من مباد»، تنها رنگ قرمز و چندین خط ایستا در بالای اثر، به مضمون نزدیک می‌شود و در هم پیچیدگی سایر حروف شور حماسی کلام فردوسی را ندارد.

سوی برخی از آثار احصایی که آثاری موفق‌اند، برخی دیگر از آثار او در کفه فرم و مضمون در تجانس و همخوانی با یکدیگر نیستند و از آن آثار صرفاً می‌توان به عنوان آثاری فرمالیستی و نهایتاً در خدمت تزئین سود جست. آثار تزئینی به آن دسته از آثار اطلاق می‌شود که نه شور و حال و احساسی را القا می‌کنند و نه عامل پیامی هستند، بلکه صرفاً آثاری چشم‌نواز و دیدنی‌اند. احصایی در صحنه‌پردازی احساس، موفق است. نصرالله افجه‌ای، با پیشینه‌ای طولانی در خط و خط-



نمرالله اجه‌ای - عشق‌نامه - زیباترین نام‌ها - رنگ و روغن روی بوم - ۸۵x۸۵ سانتیمتر - ۱۳۶۵

میانی به مثابه بریده‌ای از جریده‌ احوال و شور و شیدایی اوست که در همگونی و همنشینی با شخصیت و منش اوست. آثار متأخر این هنرمند حاکی از حذف حواشی و اضافات، و رسیدن به ایجاز و تجرید است. چندانکه در برخی از آثار او حذف اضافات و غالب کردن مضمون و محتوا از طریق فرمهای موجز تا بدانجاست که تنها بخشی از حروف عنصر تشکیلی دهنده آثار او می‌شود. گذر کیانی از جنبه‌های صرفاً تزئینی به مبانی تجریدی و سادگی در فرم و بی‌پیرایگی در رنگ، نشان از استغنا و رهیافت وی به عمق معنای خط - نقاشی است.

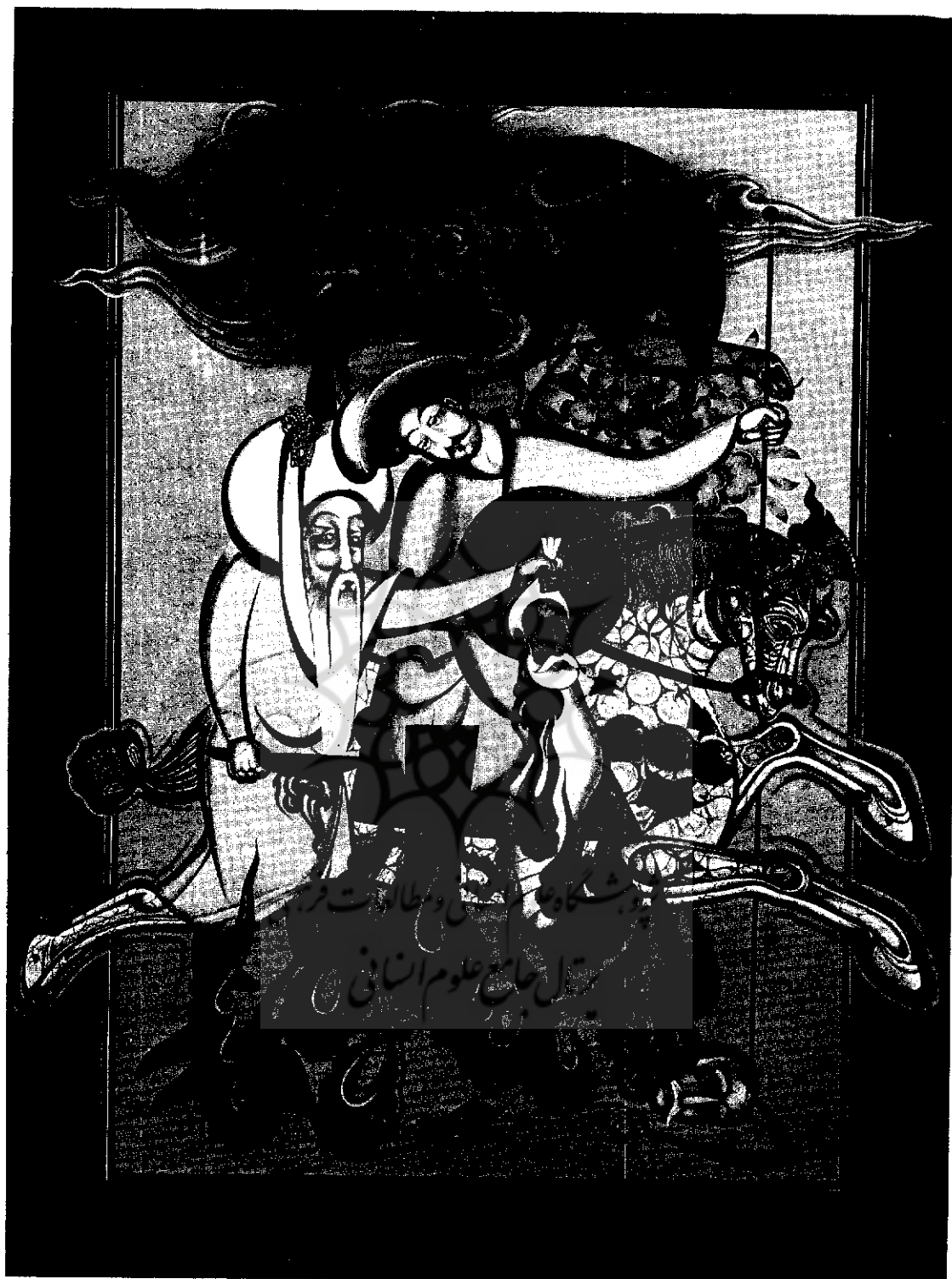
مستوری و پوشیدگی معنایی که همواره در مینیاتورهای سنتی ایرانی جاری است پای می‌فشرد. تجسم ذهنیت فرشچیان به دور از عینیهایی ملموس و مادی است؛ عینیتی است که به نوبه خود سرشار از ذهن‌گرایی و اندیشه‌های عرفانی ادب و هنر پارسی است. چنین ذهنی‌گرایی کمتر در آثار دیگر شرکت‌کنندگان این نمایشگاه دیده می‌شود.

آثار مهرگان و تاکستانی، عمدتاً بر تافته از تمثیلات بیرونی است. نیکی و پلیدی را می‌توان در اکسپرسیوونهای چهره‌های پرسوناژهای مهرگان به وضوح ردیابی کرد. مهرگان آنچه را که محور آثار خود قرار می‌دهد، سبک و سیاقی شخصی و به دور از تکرار مکررات رایج مینیاتور است. به همین منوال، سواى مضمون، فرمهای سنتی را نیز درهم می‌شکند و به سمت و سوی نقاشی به پیش می‌تازد.

بخش مینیاتور که نام چهار تن از هنرمندان مینیاتوریست را در بر دارد: فرشچیان، جزئی‌زاده، مهرگان و تاکستانی، در برگیرنده چشم اندازهای متفاوتی از هنرمندان مینیاتوریست ایرانی است که غالباً با سودجستن از مینیاتور سنتی گامی دیگرگونه و متفاوت از آن برداشته‌اند.

آثار تاکستانی گرچه در این نمایشگاه در گستره‌هایی متفاوت و به دور از هم سیر می‌کند، مع‌هذا، آنها را می‌توان مینیاتورهای برگرفته از موضوعات مذهبی و ادب پارسی دانست و بخش دیگر را در رابطه با تصویرها و تصویرهای شخصی هنرمند. اثر «بت‌شکنان تاریخ»، حکایتی از نوح پیغمبر (ع) تا حادثه عاشورا است که در این میانه به حوادث تاریخی این دوره عظیم و ظهور پیامبران

از استاد فرشچیان به عنوان پیش‌تاز نگاهی نوین در محتوا می‌توان نام برد. مینیاتورهای فرشچیان از سویی بر محتوایی نو و چرخش و گردش قلم در پرداختن متفاوت از شیوه سنتی استوار است و از سوی دیگر، همچنان بر



مجید مهرگان - سنگواره - ۲۴x۵۴ سانتیمتر



آرشیر مجرد تاکستانی - بخشی از تابلوی بت شکنان تاریخ

آثار اسفرجانی غالباً بر روی چرم کار شده‌اند که برداشتی از طرحهای دوره صفوی است که عناوین: «شاهزاده خانم با قوش»، «رامشگر» و «نامه‌نگار» را داراست. این آثار، سوای سوزه‌های تکراری و کسل کننده، از لحاظ قلم‌گیری و تکنیک مینیاتور سست و بی پایه است.

سرامیک

مجموعه آثار سرامیک آثاری از انوشهر و قان بیگی است. حضور انوشهر در این نمایشگاه در زمینه سرامیکهای زرین فام با طرحهای سنتی، ظروف سرامیک و آثار سرامیکی درباره طبیعت بی جان است. مضامین آثار انوشهر بر محور نوستالژی عشق می چرخد - همان دل‌تنگی و نوستالژی سپهری در رابطه با عشق و زندگی. از عناصر نوستالژیک همچون طرح شناسنامه‌ای بر رنگ کوبیری متن بشقاب یا ورقه‌ای کهنه از مینیاتور می‌شنابد. قان بیگی در القای مفهوم آثارش از شعر کمک می‌گیرد؛ در حالی که می‌باید با غنا بخشیدن به اجزای متشکله کارش در جهت توانا تر کردن مضمون مورد نظرش بکوشد. اشعار مورد استفاده یا حتی زیر نویس اثر هنگامی به کار می‌آید که آن اثر به تنهایی نتواند خود را بیان کند. و از آن جایی که قان بیگی هنوز به شیوه بیانی رسا و گویایی دست نیافته است دست به دامان حمایت شعری می‌شود. از سوی دیگر، گرافیکهای قان بیگی

اشاره شده است. در بخشی از آثار دیگر این هنرمند، آدمهای مسخ شده‌ای همچون گره‌گوار سامسای کافکا در چهره و اندامهایی مسخ شده به چشم می‌خورند.

تاکستانی و هم مهرگان و فرشچیان همچون مورخانی ایستاده در کنار پنجره تاریخ به منظر و چشم انداز پیرامون خود می‌نگرند و آنچه که از ویژگیهای ناب این هنرمندان به شمار می‌رود، همانا فراخوان اندیشه‌هایی بکر و نودر عرصه مینیاتور ایران است. در حالی که آثار هنرمندانی دیگر، همچون جزئی زاده و اسفرجانی، هیچ‌گونه سنخیتی با رخدادهای جهان متحول مینیاتور ندارد و هنوز اندر خم پیچ و تاب اندام یار و گل و مرغ و چشم شهلا و پرداخت منحنیهای مینیاتور گرفتارند. آنچه این دو هنرمند بر نقش و رنگ آن مصرند همان چرخش بر حول محور مکرر و سنتی مینیاتور است. آیا آثار نخ‌نمای گذشتگان و دوباره‌سازی تصاویری مضمون و پیام می‌تواند قلم پر رمز و راز مینیاتور است را به چرخش در آورد و چشم انداز تازه‌ای در عرصه مینیاتور بگشاید؟ آیا آثار «مرد و خروس» یا «نقاش»، از جزئی زاده، و «زن پرند به دست» یا «زن نوازنده»، از طرحهای دوره صفوی کار اسفرجانی، پیامی یا حرفی شنیدنی دارد؟ سروکار داشتن با قالبهای سنتی، ضرورتاً تکرار همان مضامین سنتی نیست.

از ویژگیهای بارز فرهنگی و هنری هر جامعه‌ای حرکت به سوی تغییر و تحول و تعالی است که لازمه آن بدعت و اندیشه نو است. بدین طریق، هنرمند متفکر و پویا ضمن حفظ و حراست از مبانی و دستاوردهای پیشین، قیود رنگ و روی باخته آن را که هیچ تجانسی با زمان در حال حرکت ندارد به آرشیو تاریخ می‌سپارد و خود، به عنوان راوی و مورخ عواطف، از حماسه زمان خود می‌گوید. نه تنها نادیده انگاشتن شرایط متغیر زمان و مکان هنرمند، بلکه، حتی، نادیده گرفتن تاریخ هنر جهان، از وسعت دید هنرمند می‌کاهد و او را در ورطه تقلید و تکرار و بیهودگی می‌اندازد، چه رسد به در جازدن و پای در گِل اعصابی بوورنگ گذشته ماندن. زمینه‌های گوناگون هنر ایران هنرمندانی را می‌طلبد که در درجه اول دارای تفکر و اندیشه و جهان بینی باشند. و الا اگر داعیه عرض اندام در هنر جهانی باشد با آثاری بی مضمون راه به جایی نخواهیم برد.

صمیمی قهوه‌خانه‌ای عباس بلوکی فر، در زیر نگاه کنجکاو مردم شهر فرنگ، گونه‌های گلندام را گلگون می‌کند و ابروان پیوسته و چشمان شریفش را نقش می‌زند و کمان و کماندان را بر پشت بهرام گور می‌نشانند.

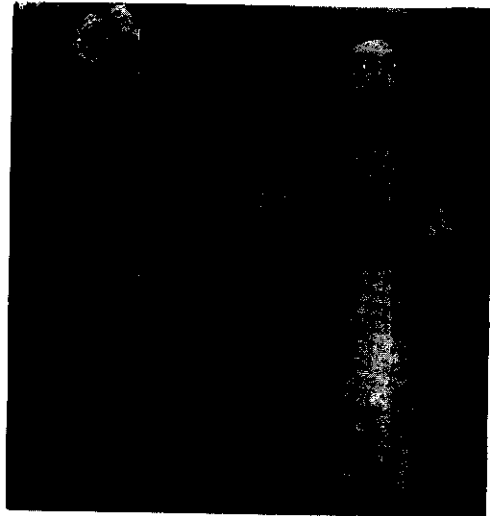
در راهرو ورودی به قهوه‌خانه، که در طبقه اول نمایشگاه قرار دارد، آثار دیگری از عباس بلوکی فر، نقاش بی‌پیرایه و مردمی و به دور از تفرعن و تفاخر هنرمندان متفرعن و متفاخر، خود می‌نمایاند: پرده درویشی؛ بارگاه کیخسرو؛ میهمانی زلیخا، شیرین و فرهاد، جوانمرد قصاب؛ و کار نیکوکردن از پرکردن است.

عباس بلوکی فر از تبار نقاشان قهوه‌خانه‌ای: حسین آقا قولر و استاد محمد مدبر است. نقشهای رادمردان شاهنامه و حکایت بزرگان مذهبی او و سایر یاران نقاشش، تمثیلی از مرآت و مردانگی و بازتابنده حماسه پهلوانی است؛ حکایت یورش به ظلم و نامردمی و تقدیس شور و شورش و قیام در برابر بی‌عدالتیها. سوای فضای گسترده درونی نمایشگاه، بازارچه‌ای در دو جناح در ورودی در فضای باز به نمایش و فروش هنرهای دستی، نوارهای موسیقی، کتابهای هنری، قالی، جاجیم و... اختصاص داده شده است. در همین نمایشگاه، کاتالوگی چشمگیر و زیبا با مقالاتی در باب هنر ایران و شرح و تفصیلاتی درباره سایر رشته‌های به نمایش درآمده، به قلم هادی سیف، جهت آشنایی بیشتر بازدیدکنندگان با هنر ایران عرضه شد.

نمایشگاه دوسلدرف به عنوان اولین تجربه مرکز هنرهای تجسمی با وجود نقایصی از قبیل:

- ۱ - ارائه برخی از آثاری که دارای کیفیت متعالی و در شأن نمایشگاه نبود؛
- ۲ - عدم بکارگیری امکانات بهتر برای معرفی آثار؛
- ۳ - اختصاص بیشترین درصد هنرمندان، در تمامی ابعاد، به هنرمندان شهر اصفهان؛

نمایشگاهی موفق و درخور بررسی است. و در یک نگاه کلی، نکات مثبت و ارزنده نمایشگاه، آن چنان معتبر و درخور اهمیت است که به کاستیهای آن سایه می‌افکند.



عباس بلوکی فر - جوانمرد قصاب - رنگ و روغن روی بوم

بی‌حضور سرامیک و سفال می‌تواند به عنوان اثری قائم به خود ارائه شود و اتکای طرحهای او بر تن سرامیک و سفال بیهوده است و جایگاه چندانی هم در نمایشگاهی سنتی ندارد. فان بیگی با تدقیق و تفحص می‌تواند راه خود را در گرافیک - سرامیک بیابد.

نقاشی قهوه‌خانه‌ای

پربیننده‌ترین بخش نمایشگاه، قهوه‌خانه است. این فضا با بافتی سنتی آراسته شده است تا بوی الفت و مهر و رابطه را در زیر سقف گلین و در چهارچوب صمیمی و متین خود بیفشاند. فضای قهوه‌خانه عطرآگین از گذشته‌های نه‌چندان دور است؛ عطرآگین هیاهویی است که دیگر بر باد رفته است. صدای غل جوش سماور، بوی قلبان، فواره میان حوض کاشی، نقشهای منقوش بر در و دیوار، تخته‌های چوبی، مخدّه‌های رنگین و قهوه‌چی‌هایی ملبس به لباسهای سنتی بوی آشنای گذشته‌ای را دارد که اکنون در طرح و نقش آن روزهای مهربان حکایتی می‌شود آشنا. دیگر، نقالی نمی‌خواند. دیگر، استادان معمار و بنا و گچ‌بر و نقاش، خسته از کار روزانه، بر مخدّه گوشه تخت تکیه نمی‌زنند. اما حضور آنان را اکنون می‌توان در جای جای این قهوه‌خانه احساس کرد و صدای گرم و گرفته‌نقال را شنید: این حکایت بهرام است. بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر... و این حکایت گلندام است... همان تابلویی که اینک نقاش نقشهای